



بلاغت کار بردی

درس ۱۶

استاد: سرکار خانم فرخی
آموزشیار: آقای یزدانی

در درس گذشته در ادامه بحث استفهام، معانی غیر حقیقی دیگری مانند تقریر، انکار و تهکم برای استفهام ذکر شد و برای چندمین بار بر این نکته تکیه شد که اصل در الفاظ حقیقت است از این رو برای عدول از معنای حقیقی باید دلیل و قرینه محکمی از لفظ یا مقام داشته باشیم. این درس به سه کلام انشایی دی‌گر یعنی «تمنی، تحضیض و عرض» می‌پردازد. آشنایی با تعریف این سه واژه و ادوات آنها و همچنین جایگاه و معنای خاص هر کدام از این ادوات از اهداف اصلی این درس است و از آنجا که این ادوات استعمال فراوانی در قرآن و روایات دارند این درس برای دانش پژوهان علوم قرآنی و علوم حدیث اهمیت بسزایی دارد.

اهداف فصل پنجم: «تمنی»

انتظار می‌رود دانش‌نپوه پس از فراگیری این درس بتواند به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد:

- تمری چیست؟

- ادوات تمری چه چیزهای می‌باشند؟

- چه الفاظی به معنای «لیت» استعمال می‌شوند و نکته این گونه استعمال‌ها چیست؟

- آیا «لیت» و همانندهای آن معنای دیگری غیر از تمری نیز دارند؟

- اگر معانی دیگری برای «لیت» و همانندهای آن وجود دارد شواهدی از قرآن برای آن ذکر کنید.

برای ورود به بحث به معنای آیات زیر توجه کنید.

۱. «قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»^۱.

۲. «وَلَوْ تَرَى إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۲.

۳. «قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۳.

۴. «يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا»^۴.

۵. «أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^۵.

تعریف تمری و ادوات آن

طلب و آرزوی چیزی که دوست داشتنی است ولی انتظار و طمعی در رخ دادن آن نیست را «تمری» گویند و لفظی که برای آن وضع شده است «لیت» می‌باشد و الفاظ دیگری نیز به معنای آن به کار می‌روند که در ادامه بحث به آنها خواهیم پرداخت؛ در بسیاری از موارد حرف ندا «یا» بر سر «لیت» می‌آید تا آن را مبالغه و تاکید کند.

نکته

در تمری ممکن بودن آنچه که تمنی شده شرط نیست زیرا دوست داشتن امور محال و طلب کردن آنها نه تنها برای انسان مانعی ندارد که فراوان نیز می‌باشد. برای تمنی امر محال می‌توان به آیه شریفه «يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»^۶ و «يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ مثال زد و برای تمنی امر ممکن می‌توان آیه کریمه «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۲ را مثال بیاوریم.

۱. یس/۲۷-۲۶.

۲. انعام/۲۷.

۳. قصص/۷۹.

۴. اعراف/۵۳.

۵. زمر/۵۸.

۶. یس/۲۷-۲۶.

ادوات تمنی

لفظ وضعی تمنی همان «لیت» می‌باشد ولی الفاظ دیگری نیز در راستای اغراض بلاغی متکلم به معنای «لیت» به کار می‌روند که در این صورت مانند «لیت» فعل مضارع پس از خود را که به عنوان جواب تمنی محسوب می‌شود را نصب می‌دهند.

این الفاظ عبارتند از :

الف) «هل»

مانند «هل» در آیه شریفه «يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا»^۳ که معنای تمنی می‌دهد نه استفهام زیرا آنان می‌دانند که شفيعی برای آنان نمی‌باشد در نتیجه جایی برای استفهام نیست و اگر این چنین نبود (یعنی آنان احتمال می‌دادند که شفيعی برایشان پیدا بشود) «هل» را به معنای حقیقی خودش یعنی استفهام حقیقی حمل می‌کردیم.

نکته تمنی به «هل»

اگر سوال شود که چرا در اینجا از خود ادات «لیت» به جای «هل» استفاده نشده پاسخ می‌دهیم که در تمنی به «هل» این نکته نهفته است که متمنی (آنچه تمنی شده) را به سبب علاقه شدید به آن در صورت امر ممکن جلوه داده که یقین به انتفای آن نیست (زیرا انسان از چیزی که یقین به انتفای آن دارد سوال نمی‌کند).^۴

الف) «لو»

مانند «لو» در آیه شریفه «أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»^۵ زیرا فعل مضارع پس از آن منصوب شده و عامل آن حرف مصدری «أن» بوده که پس از حرف فاء در تقدیر گرفته می‌شود و حرف «أن» در صورتی پس از حرف فاء مقدر می‌شود که پیش از آن «امر یا نهی یا استفهام یا نفی یا تمنی و یا عرض» باشد که «لو» و ادامه آن جزء هیچکدام از آن موارد نمی‌باشد از این رو باید بر یکی از آنها حمل بشود که مقام در اینجا مناسب با معنای تمنی است.

نکته تمنی به «لو»

۱. انعام/۲۷.

۲. قصص/۷۹.

۳. اعراف/۵۳.

۴. این نکته برگرفته از کلام تفتازانی می‌باشد.

۵. زمر/۵۸.

در تعریف تمنی بیان شد که تمنی به امری تعلق می گیرد که توقع و طمع در وقوع آن نیست از این رو اگر معنای تمنی با لفظ «لو» رسانده بشود امر غیر واقع (یعنی امری که توقع و طمع در وقوعش نیست) به صورت امر واقع جلوه داده شده و البته این نکته بر اساس این است که «لو» در این جایگاهها را در اصل شرطیه بدانیم.^۱

ت) لعل

مانند «لعل» در آیه شریفه «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلِهِ مُوسَى»^۲ بنابر قرائت نصب «فَأَطَّلِعَ» زیرا در این صورت پای حرف «أَنْ» مقدّر به میان می آید و زمخشری گفته است: کسی که «فَأَطَّلِعَ» را به نصب قرائت کرده است، «لعل» را به معنی «لِیت» آورده است.

ث) «أَلَا»

«أَلَا» همان گونه که ابن هشام گفته معنای تمنی دارد به شرطی که فعل مضارع در جواب آن نصب داده شده باشد.

معانی «لِیت» و نظایر آن

۱. تمنی

این معنی در جایی است که مطلوب، امری آینده باشد و همچنین از محالات یا چیزهایی باشد که طمعی در وقوع آنها نیست.

۲. پشیمانی

این معنی در جایی است که مطلوب، ماضی باشد.

۳. انتظار (امید داشتن به امر دوست داشتنی و ترس از آنچه که مورد کراهت است)

این ادوات زمانی این معنی را می دهند که مدخول آنها از چیزهای باشد که امید حصول آنها می رود و در این هنگام معنی طلبی ندارند.

تحقیق

با توجه به اینکه «لِیت» و همانندهای آن علاوه بر معنای «تمنی» در معنای «پشیمانی» و «انتظار» نیز به کار می روند در آیات مبارکه زیر معنای هر کدام را مشخص کنید.

۱. «قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ»^۳.

۲. «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴.

^۱. در این گونه «لو» چند قول است برخی آن را قسم دانسته اند و برخی شرطیه ای دانسته اند که متضمن معنای تمنی شده و برخی مصدریه ای دانسته اند که سبب بی نیازی از فعل تمنی می شود؛ ابن مالک قول اخیر را پذیرفته است.

^۲. غافر/ ۳۶-۳۷.

^۳. قصص/ ۷۹.

^۴. اعراف/ ۲۰۴.

۳. «وَيَوْمَ يُعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^۱.
۴. «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ»^۲.

SCOT: ۱۳:۴۰

«تحضيض و عرض»

اهداف فصل ششم:

پس از فراگرفتن این درس از دانش پژوهان عزیز انتظار می‌رود به سوالات زیر پاسخ بدهند.

- معنای «تحضيض و عرض» چیست؟

- ادوات «تحضيض و عرض» چیست؟

- در چه صورتی ادوات «تحضيض» مفید معنای «توبیخ یا پشیمانی» می‌باشند؟

- در چه صورتی ادوات «تحضيض» از معنای حقیقی خارج می‌شود؟

- معانی غیر حقیقی ادوات «تحضيض و عرض» چیست؟

پیش از ورود به بحث به معنای آیات زیر توجه کنید.

۱. «لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ رَبَّنَا يُؤْنِئُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۳.

۲. «قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴.

۳. «وَأَنْقُضُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۵.

۴. «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيُغْفُوا وَلْيُصْنَعُوا لَاحِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۶.

پس از دقت در معانی طلبی در آیات بالا در می‌یابیم که طلب در آنها همراه با یک نوع شدت یا نرمی شده است؛ چه

چیزی سبب شده معانی طلبی این حالت را پیدا کنند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است با مفاهیم «تحضيض» و «عرض» آشنا بشویم.

^۱ فرقان/۲۸-۲۷.

^۲ شوری/۱۷.

^۳ مائده/۶۳.

^۴ نمل/۴۶.

^۵ منافقون/۱۰.

^۶ نور/۲۲.

تعریف تحضیض و عرض

طلبی که همراه با تحریک و وادشتن باشد را «تحضیض» می‌نامند که دارای ادوات خاصی می‌باشد.
نکته

شاید دلیل اینکه این بحث را جداگانه طرح نکرده‌اند و در بحث تمنی آورده‌اند این باشد که ادوات آن از ادوات تمنی ترکیب یافته ولی بهتر این است که جداگانه بحث بشود زیرا طلب در تحضیض شدیدتر و ظاهرتر است.
طلبی که همراه با نرمی و ادب باشد را «عرض» می‌نامند.
فرق بین عرض و تحضیض در کیفیت طلب و برخی ادوات آنها است.

ادوات تحضیض و معانی آنها

ادوات تحضیض عبارت است از: «هَلَّا، أَلَّا، لَوْلَا و لَوْما».
این حروف هرگاه برای تحضیض باشند مختص به جمله فعلیه خبری می‌شوند که اگر فعل آن، مضارع یا در حکم مضارع^۱ باشد معنای تحریک کردن و وا داشتن می‌دهند و اگر فعل آن، ماضی باشد معنای پشیمانی و توبیخ می‌دهند.^۲
مثال داخل شدن بر سر فعل مضارع:
- «لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».^۳
- «لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ».^۴
- «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ».^۵
مثال داخل شدن بر سر فعل ماضی:
- «فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ».^۶ البته قرائت مشهور «فَلَوْلَا» و قرائت اُبی و عبدالله بن مسعود «فَهَلَّا» است^۷ که هر دو از ادوات تحضیض می‌باشند و از این جهت فرقی در معنی ندارند.
- «لَوْ لَا جَاءُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ».^۸
- «فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً».^۹

^۱ یعنی تاویل به مضارع برود.

^۲ و نه تحضیض (وا داشتن) زیرا فرض این است که فعل ماضی است و تحضیض نسبت به گذشته معنی ندارد.

^۳ نمل/۴۶.

^۴ حجر/۷.

^۵ توبه/۱۳.

^۶ یونس/۹۸.

^۷ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص: ۳۷۱.

^۸ نور/۱۳.

نکته

تحضیض متضمن نوعی توبیخ و سرزنش بر کاری که مخاطب باید پیش از طلب متکلم انجام می‌داد می‌باشد^۲ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ادوات تحضیض در یک استعمال بی‌دو معنی دلالت می‌کنند یکی معنای طلب به همراه شدت که از این جهت انشای طلبی محسوب می‌شوند و دیگری معنای توبیخ و سرزنش که از این جهت انشای غیر طلبی به حساب می‌آیند.

ادوات عرض

ادوات عرض عبارتند از: «ألا، لولا و أما».^۳

«أما» را ابن هشام از مالقی نقل کرده است.

ادوات عرض بر مضارع و آنچه به مضارع تاویل می‌رود داخل می‌شوند مانند آیه شریفه «أَلَا تُحْيُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۴ و آیه «وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»^۵.

توجه

برخی از کتاب‌های نحو این آیه را از مثال‌های «تحضیض» دانسته‌اند ولی با در نظر گرفتن ظاهر آیه و مقتضای حال که از قراین لفظی و مقامی بدست می‌آید درست این است که ملک برای عرض باشد البته با تاویل امکان تحضیض در آیه وجود دارد.

SC03: ۲۶:۰۳

^۱. احقاف/۲۸.

^۲. تفتازانی در کتاب «المطول» این مطلب را ذکر کرده است.

^۳. از آنجا که عرض، طلب به همراه نرمی و ادب است ادوات آن نیز خفیف و بدون تشدید است.

^۴. نور/۲۲.

^۵. منافقین/۱۰.

چکیده

۱. طلب و آرزوی امری که دوست داشتنی است ولی انتظاری در وقوع آن نیست «تمنی» نام دارد.
۲. لفظی که برای تمنی وضع شده «لیت» است و البته الفاظ دیگری نیز با قرینه بر تمنی دلالت می‌کند.
۳. دوست داشتن و طلب کردن امر محال نه تنها ممکن که فراوان است پس در تمنی ممکن بودن آنچه تمنی می‌شود شرط نیست.
۴. ادوات دیگری نیز به معنای «لیت» به کار می‌روند مانند «هل، لو، لعلّ و ألا» که در این صورت مانند «لیت» فعل مضارع پس از خود را نصب می‌دهند.
۵. در تمنی به «هل» این نکته نهفته است که متکلم نسبت به آنچه تمنی می‌کند یقین به انتفایش ندارد.
۶. نکته تمنی به حرف «لو» جلوه دادن غیر واقع به صورت واقع است. (البته اگر اصلش شرطیه باشد).
۷. «لعلّ» و «ألا» نیز به شرطی که فعل مضارع در جواب آنها نصب داده شده باشد معنای تمنی می‌دهند.
۸. طلبی که همراه با تحریک مخاطب به سوی مطلوب باشد را «تحضیض» می‌نامند و ادوات آن عبارتند از «هَلَّا، أَلَّا، ألا، لولا و لوما».
۹. اگر فعلی که پس از ادوات تحضیض می‌آید مضارع باشد این ادوات معنای تحریک و ترغیب کردن را می‌دهند و اگر ماضی باشد معنای پشیمانی و توبیخ می‌دهند.
۱۰. طلبی که همراه با نرمی و ادب باشد را «عرض» گویند و ادوات آن عبارتند از «ألا، لولا و أما».